محمد فاضل

[**تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی -۱**](https://www.balagh.ir/content/5136)

از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران و مورخان شیعه و اهل سنت، مبنای تاریخی چنین بزرگداشتی، ورود اهل بیت به کربلا در اولین اربعین حسینی (سال ۶۱ هجری) و دفن سرهای مطهر شهیدان بویژه سر مقدس امام حسین (ع) در کنار پیکرهای مطهر آنهاست.

چکیده:  
گرامی داشت اربعین سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) در میان شیعیان آن حضرت از اهمیت و ارزش ویژه ای برخوردار است. از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران و مورخان شیعه و اهل سنت، مبنای تاریخی چنین بزرگداشتی، ورود اهل بیت به کربلا در اولین اربعین حسینی (سال ۶۱ هجری) و دفن سرهای مطهر شهیدان بویژه سر مقدس امام حسین (ع) در کنار پیکرهای مطهر آنهاست.  
جمعی اندک از مورخان و صاحب نظران نیز بر این عقیده اند که نظریه یاد شده از اعتبار تاریخی لازم برخوردار نیست، بلکه مبنای بزرگداشت این روز ورود جابر و عطیه به کربلاست.  
مقاله حاضر در یک بررسی و تحلیل تاریخی، در مقام اثبات نظریه نخست است.  
مراسم اربعین مشتمل بر چهار برنامه است که هر یک از نظر تایید و مقبولیت تاریخی و مذهبی در مراحل مختلفی قرار دارند. این مراسم عبارتند از:  
۱- زیارت مخصوصه: در استحباب و سنت زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین (بیستم صفر) - از دور یا نزدیک - اختلاف نظر وجود ندارد، چنان که در زیارت ایام متبرکه نیمه شعبان و شبهای قدر اختلافی مشاهده نمی شود.  
۲- ورود جابر و زیارت وی در بیستم صفر: این مساله مورد شک و استبعاد مرحوم سید بن طاووس قرار گرفته است.  
۳- دفن سرهای مطهر و الحاق آنها به بدنهای اطهر در روز اربعین: که میان علما، فقها و مورخان شیعه شهرت دارد.  
۴- ورود اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا.  
در باره این مساله دیدگاههای مختلف و متضادی اظهار شده و مورد تشکیک و استبعاد جدی قرار گرفته است. این موضوع از دو جهت محل بحث است: اصل ورود به کربلا; تاریخ ورود.  
اما در مورد اصل ورود اهل بیت (ع) به کربلا باید گفت که گروه بسیاری از علمای برجسته و مشاهیر متقدم و متاخر و مورخان شیعه و سنی آن را تایید کرده اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. در برابر، جمعی از متاخران و برخی از متقدمان این جریان را بعید بلکه ممتنع و محال عادی دانسته اند (۱) و به تعبیر بعضی نیز کذب محض و افسانه است. (۲)  
استدلال این گروه در استبعاد و استحاله و تکذیب این موضوع، دو امر است:  
اول: سکوت و عدم تعرض مورخان و کتب تاریخ، با این که موضوع مهم و قابل ذکر و شایسته تعرض بود در نتیجه از نگاه این گروه «عدم الدلیل، دلیل العدم » ; یعنی چگونه می توان باور داشت این جریان تا قرن هفتم پنهان مانده باشد و تنها به وسیله سید بن طاووس ابراز و اعلان شود.  
دوم: مساله فاصله میان شام و عراق یا دمشق و کوفه است البته این در صورتی است که مدت رفتن از کوفه تا شام را بیست روز و مدت اقامت اهل بیت (ع) در دمشق را یک ماه (چنان که نقل شده) در نظر بگیریم، به علاوه مدتی که ابن زیاد برای کسب تکلیف از یزید نیاز داشت. خصوصا این که گوینده جریان اربعین - سید بن طاووس - در کتاب دیگر خود که بعدا تالیف نمود، (۳) این نظریه را رد کرده آن را بسیار بعید دانسته است و به تبعیت از استبعاد ایشان، مرحوم حاج میرزا حسین نوری نیز آن را بعید شمرد. (۴)  
علامه شعرانی و شهید مطهری نیز با تعبیرهای مختلف همین نظریه را ابراز داشته اند.  
از آنجا که هدف این نوشتار بررسی علل استبعاد اربعین در کلام سید بن طاووس و اثبات جریان اربعین می باشد، لازم است به ذکر نام عده ای که جریان اربعین را تصریح یا تایید نموده اند بپردازیم:  
قائلان به اربعین دو دسته اند، دسته ای صراحتا اظهار نموده اند که اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا آمده اند و دسته دیگر بر این باورند که سر مطهر امام (ع) و سایر شهدا در کربلا دفن گردیده و یا سرهای مطهر به وسیله امام سجاد (ع) به بدنهای مطهر الحاق شد.  
از آنجا که دفن سر مطهر در کربلا قطعا به دست مبارک امام سجاد (ع) انجام شد و ورود ایشان به همراه سرهای مطهر شهدا به کربلا نیز فقط در بیستم صفر بود و هیچ یک از مورخان شیعه و سنی قائل نشده اند که سرهای مطهر - مخصوصا سر مطهر امام حسین (ع) - به وسیله کسی غیر از امام سجاد (ع) دفن شده و یا این که امام سجاد (ع) در غیر بیستم صفر سال ۶۱ برای دفن سرهای مقدس به کربلا آمده باشد، از این رو اعتراف و تصدیق به دفن سر مطهر امام حسین (ع) در کربلا توسط امام سجاد (ع) در روز بیستم صفر خود گواه و شاهدی است صادق و عالی بر آمدن اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلا.  
مبنای تاریخی اربعین در آثار بزرگان  
الف) آثار مستقل  
عده ای از محققان و بزرگان، کتاب مستقل در اثبات ورود اهل بیت (ع) به کربلا تالیف کرده اند. از جمله:  
۱- «فاجعة الاربعین » یا «حدیث الاربعین » تالیف عالم بزرگوار شیخ حسن بلادی.  
۲- «تحقیق در باره اولین اربعین حضرت سید الشهدا (ع)» تالیف علامه محقق سید محمد علی قاضی طباطبایی شهید محراب مصلای جمعه تبریز. این کتاب افزون بر هشتصد صفحه است که با مراجعه و بررسی بیش از پانصد و هفتاد کتاب به نگارش درآمده است. در تکمیل نوشتار حاضر از این کتاب نفیس استفاده بسیاری شده است. (جزاه الله خیرا) همچنین بسیاری از ادبا و علما موضوع اربعین و ورود اهل بیت به کربلا را در قالب اشعار عربی و فارسی بازگو و ضبط کرده اند.  
ب) تصریحات و تاییدات  
اما عده ای که پیش از سید بن طاووس در آثار یا مقاتل خود به مناسبت، تصریح و یا تاییدی بر اربعین داشته اند:  
۱- ابو مخنف - لوط بن یحیی - معاصر با امام حسین (ع) (۵)  
۲- شیخ صدوق، (متوفای سال ۳۸۱ق.) :  
«امام سجاد (ع) با اهل بیت (ع) و سرهای مطهر شهیدان از دمشق خارج شد و سرهای مقدس را در کربلا دفن کرد» . (۶)  
هر چند ایشان تصریح نکرده اند که ورود اهل بیت (ع) در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است اما از آنجا که هیچ کس زمان دیگری را در تاریخ، برای ورود اهل بیت (ع) به کربلا به ثبت نرسانده است، در نتیجه ورود امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت به کربلا، در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است.  
۳- اسفرائنی (متوفای ۴۰۶ق.) - از علمای بزرگ مذهب شافعی - در مقتل خود تصریح می کند که اهل بیت (ع)، بیستم صفر وارد کربلا شده و با جابر ملاقات کردند. او می گوید: «و لما وصلوا الی بعض الطریق » (و چون به راهی رسیدند) نمی گوید: «و لما وصلوا الی طریق کربلا او العراق » (و چون به راه کربلا یا عراق رسیدند) تا اشکال شود راه کربلا از بین راه مدینه نیست، بلکه از خود شام است.  
۴- علم الهدی سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق.) می نویسد:  
«ان راس الحسین (ع) اعید الی بدنه فی کربلا» (۷)  
یعنی: همانا سر مطهر امام حسین (ع) در کربلا به پیکر مقدس آن حضرت، عودت داده شد.  
۵- ابو ریحان بیرونی، محقق و ریاضیدان شهیر (متوفای ۴۴۰ق.) در کتاب نفیس خود «الآثار الباقیة » چنین می گوید:  
«و فی العشرین رد راس الحسین (ع) الی جثته حتی دفن مع جثته و فیه زیارة الاربعین و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام » (۸)  
یعنی: سر مقدس امام حسین (ع) در بیستم صفر به جسد مطهر امام برگردانده و با پیکرش دفن گردید. زیارت اربعین در خصوص این روز است. اهل بیت (ع) نیز بعد از مراجعت از شام این روز را حرمت نهادند.  
پس ایشان تصریح می کند که ورود اهل بیت (ع) به کربلا پس از بازگشت از سفر شام بود نه قبل از رفتن به شام که مرحوم شعرانی ترجیح می دهد.  
۶- شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق.) علت سنت شدن زیارت امام حسین (ع) در اربعین را تنها انجام مراسم تدفین سرهای مطهر امام (ع) و سایر شهدا در کربلا می داند. (۹)  
البته سید بن طاووس، می گوید شیخ طوسی معتقد است امام سجاد (ع) با اهل بیت (ع) در روز اربعین (بیستم صفر) وارد مدینه شدند (نه کربلا) و سید بن طاووس این نظر را بعید می شمرد از این جهت که چگونه ممکن است در مدت ۴۰ روز به مدینه برسند؟ (۱۰)  
۷- شیخ فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ق.) می گوید:  
«خرج علی بن الحسین (ع) بالنسوة و رد راس الحسین (ع) الی کربلا» (۱۱)  
یعنی: امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع)، سر امام حسین (ع) را به کربلا بازگرداند.  
۸- عماد الدین طبری آملی (متوفای اوایل قرن ششم) . (۱۲)  
۹- شیخ شهید طبرسی در سال ۵۰۸ق. (۱۳)  
۱۰- ابن شهر آشوب (متوفای سال ۵۸۸ق.) در مناقب اعاده سر مطهر به بدن را ذکر کرده است. (۱۴)  
۱۱- علامه شهیر و مورخ کبیر، سبط ابن الجوزی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفای سال ۶۵۴ق.) چنین می گوید:  
«الاشهر انه رد الی کربلا فدفن مع الجسد» . (۱۵)یعنی: بنا بر نظر مشهورتر، سر امام حسین (ع) به کربلا بازگردانده و با پیکرش دفن گردید.  
۱۲- سید بن طاووس - علی بن موسی بن جعفر - (متوفای ۶۶۸ق.)، در کتاب لهوف، رجوع اهل بیت (ع) به کربلا و همچنین دفن سر مطهر در کربلا را نقل کرده، و در کتاب اقبال، (۱۶) لحوق سر مطهر به بدن در روز بیستم صفر را پذیرفته، گر چه در باره آورنده سر مطهر و کیفیت دفن آن سکوت کرده است.  
۱۳- شیخ فقیه ابن نما حلی - جعفر بن محمد بن جعفر - (متوفای اواخر قرن هفتم) نسبت به ورود اهل بیت (ع) به کربلا و ملاقاتشان با جابر تصریح نموده است. (۱۷)  
شایان توجه است که شیخ اجازه (۱۸) ما مرحوم آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه » (۱۹) تاریخ وفات ابن نما مؤلف کتاب «مثیر الاحزان » را سال ۶۴۵ ثبت نمودند، در صورتی که این سال، سال تاریخ فوت پدر ایشان فقیه نامی محمد بن جعفر بن نما استاد سید بن طاووس و محقق حلی است.  
۱۴- مورخ معروف «خواند میر» (متوفای ۹۴۲ق.)، اربعین را اصح روایات در دفن سر مطهر دانسته، و می گوید:  
«امام چهارم با خواهران و... در بیستم شهر صفر، سر امام حسین (ع) و سایر شهیدان کربلا (رضی الله عنهم) را به بدنهای ایشان منضم ساخت » . (۲۰)  
۱۵- الشبراوی، عبد الله بن محمد، شیخ جامع ازهر قاهره، صاحب کتاب «الاتحاف بحب الاشراف » (متوفای ۱۱۷۲ق.) نقل می کند:  
«بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد» . (۲۱)  
۱۶- زکریا بن محمد قزوینی (متوفای ۱۳۰۵ق.) در کتاب عجائب المخلوقات چنین می گوید:  
«الیوم الاول منه عید بنی امیه ادخلت فیه راس الحسین (رضی الله عنه) بدمشق و العشرون منه رد راس الحسین الی جثته.» یعنی: اولین روز ماه صفر، عید بنی امیه بود، سر مقدس امام حسین (ع) در این روز وارد دمشق شد و در روز بیستم همین ماه، سر مبارک امام، به بدن مطهرش بازگردانده شد.  
۱۷- علامه جلیل القدر سید محسن امین عاملی در «لواعج الاشجان » به نقل از بشارة المصطفی، و در «اعیان الشیعه » می گوید:  
«ورود اهل بیت به کربلا مشهور است » . (۲۲)  
۱۸- عالم شریف سید عبد الرزاق مقرم در «مقتل الحسین (ع)» چنین می گوید:  
«اهل بیت (ع) در کربلا با جابر ملاقات کردند» . (۲۳)  
و نیز می گوید:  
«امام سجاد (ع) سر مطهر پدر و سایر شهدا را در کربلا ملحق به بدنها کرد» . (۲۴)  
۱۹- ابن حجر مکی، احمد بن محمد، (متوفای سال ۹۳۷ق.) صاحب کتاب «الصواعق المحرقه » و شرح قصیده همزیه بوصیری می گوید:  
«بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد» . (۲۵)  
۲۰- سید جلیل زبدة الفقهاء فاضل قزوینی، رضی بن نبی، (متوفای سال ۱۱۱۸ق.) در کتاب نفیس «تظلم الزهرا» عین عبارت سید بن طاووس در کتاب اقبال را نقل می کند و به طور جدی و صریح گفته سید را پاسخ می دهد:  
«اقول: غایة ما قال (ره) - بعد تسلیمه - محض استبعاد و لا ینبغی بمحضه انکار الروایات فانا سمعنا من الموثقین قرب کوفه من دمشق بما قد تیسر للبرید ان یسیر بثلاثة ایام و لا سیما للولاة و الحکام بالجور و سیما مثل هذا الخبر المشوم الذی هو عید للشامیین و مدة مقامهم فی دمشق - علی ما فی المنتخب - لا یعلم کونها زائدة علی ثمانیة ایام تقریبا و لم نظفر علی روایة دلت علی مقامهم فیها مدة شهر. والله یعلم. و ایضا قد یذهب الحمام بالمکاتب باسرع من ذلک.»  
یعنی: به عقیده من، سید - بعد از پذیرش جریان اربعین - بعدها صرفا آن را بعید دانسته است و سزاوار نیست با استبعاد صرف او روایات تاریخی را انکار نمود; زیرا ما از برخی از اشخاص مورد اطمینان شنیده ایم که کوفه به دمشق نزدیک بوده به گونه ای که یک پیک می توانست سه روزه بخصوص برای کسب تکلیف والیان و حکام جور بویژه مثل خبر شوم کربلا را که برای اهل شام عید به شمارمی رفت به آنها برساند.  
اما مدت اقامت اهل بیت (ع) در شام - بنا بر آنچه در المنتخب آمده - تقریبا بیش از هشت روز نبوده است و ما به نقل دیگری که بر اقامت آنان در شام به اندازه یک ماه دلالت کند دست نیافتیم - خدا عالم است - به اضافه چه بسا گاه کبوتر نامه بر زودتر از پیک زمینی پیغام برساند.  
همچنین عده دیگری از مشاهیر علمای شیعه و سنی قائل به اربعین هستند که برای اطلاع بیشتر می توان به مقتل مقرم و تحقیق اربعین مراجعه نمود.

منبع: مجله رواق اندیشه ، شماره ۱ , فاضل ، محمد  
---------------------------------  
پی نوشت:  
۱) شعرانی، ترجمه نفس المهموم، ص ۲۶۹.  
۲) شهید مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۰ و ج ۲، ص ۲۵۵.  
۳) سید بن طاوس، اقبال، ص ۵۸۹.  
۴) حاج میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴۹.  
۵) مقتل ابو مخنف، به نقل از مرحوم حاج میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۷.  
۶) شیخ صدوق، امالی، ۱۳۴۹ ش.، ص ۱۶۸، مجلس ۳۱.  
۷) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۱، چاپ دوم، به نقل از مناقب شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۰ و نیز نقل شیخ طبرسی در اعلام الوری، ص ۲۵۰، ج بیروت ۱۳۹۹ق.  
۸) همان، ص ۳۴۴ به نقل از الاثار الباقیه، ص ۳۳۱ چاپ اروپا، و نیز ص ۲۲ ج دوم به نقل از ترجمه الاثار الباقیه ص ۳۹۲، تهران ۱۳۲۱.  
۹) به نقل از مرحوم محدث قمی، نفس المهموم، ص ۴۶۶، و شهید قاضی، پیشین، ص ۳۴۱.  
۱۰) سید بن طاووس، اقبال، ص ۵۸.  
۱۱) شیخ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۳۰.  
۱۲) بشارة المصطفی، به نقل سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۷.  
۱۳) اعلام الوری، چاپ بیروت، ۱۳۹۹ق.، ص ۲۵۰.  
۱۴) به نقل از سید مقرم، مقتل الحسین، ص ۴۶۹.  
۱۵) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۲و۳۴۹ چاپ ۲، به نقل از تذکرة الخواص، و نیز مقتل مقرم ص ۴۷۰ به نقل از تذکرة الخواص ص ۱۵۰ همچنین اعیان الشیعه ج ۱، ص ۶۲۶، ق ۲.  
۱۶) ص ۵۸۸.  
۱۷) مثیر الاحزان » ، ۱۳۱۸ق، ص ۵۹، به نقل از شهید قاضی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰، و نیز سید مقرم، پیشین، ص ۴۶۹.  
۱۸) مقصود از این اصطلاح، اجازه نقل روایت است که تا چندی پیش میان دانشمندان اهل حدیث رایج بوده است.  
۱۹) ج ۱۹، ص ۳۴۹.  
۲۰) خواند میر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۶۰.  
۲۱) مقتل مقرم، ص ۴۶۹ به نقل از الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۲.  
۲۲) سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۷.  
۲۳) عبد الرزاق مقرم، مقتل الحسین، ص ۴۶۷، چ ۱۳۸۳ ق  
۲۴) همان، ص ۴۶۹.  
۲۵) همان.